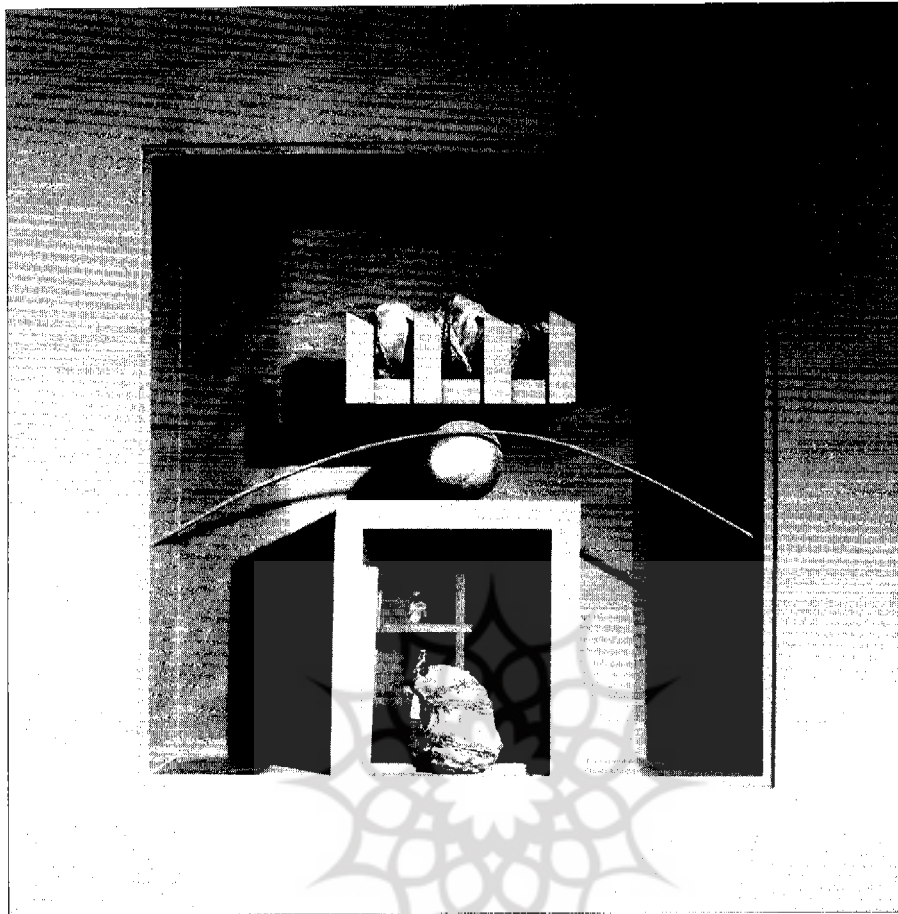


نگاهی به آثار حجمی محسن صادقیان، گالری اران پانیز ۸۸، تهران

جعبه سیاه ذهن هنرمند

احمد رضا دالوند





هنرها

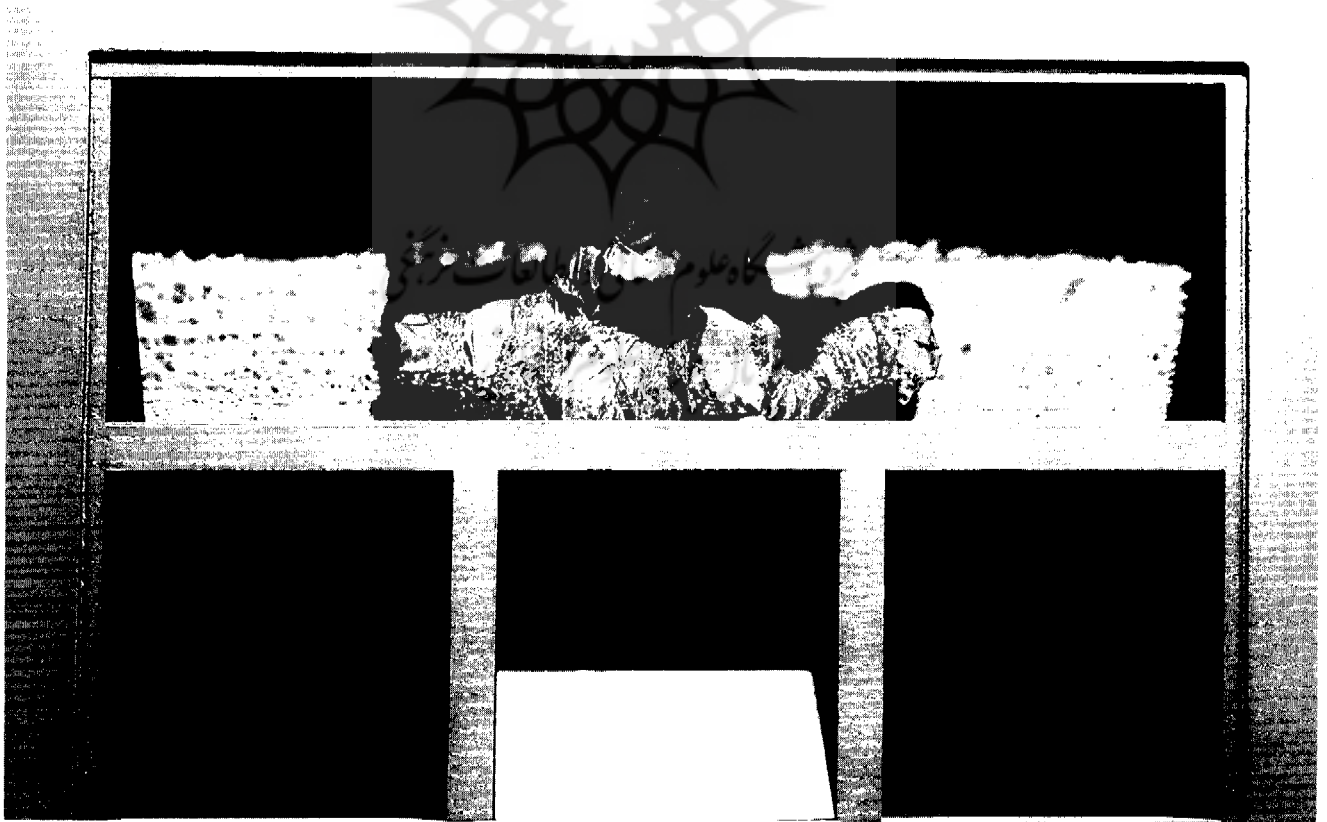
محسن صادقیان درون‌گراتر از آن است که صرفاً بر سطح دو بُعدی بوم یا کاغذ، خود را عیان سازد، او بر چهار ضلع سطح دلخواهش دیواره‌ای چوبی نصب کرده، تا سطح عربان و بی‌حفاظ محصور شود... قدم بعدی از همین حالا برداشته شده: می‌توان طبقات افقی و تقسیمات عمومی درون این دیواره چوبی را تقسیم‌بندی کرد، در نتیجه چندین سطح که عرض و طول و عمق دارند در اختیارش قرار می‌گیرد و چه خوب که همه این‌ها بر روی سطح بی‌حفاظ و در ملأعام نیستند. رنگ تیره این سطوح و سرپوش شیشه‌ای، فضایی تاریک و امن در اختیارش می‌گذارند. می‌توان او را تصور کرد که با خیال راحت چیزهایی را درون این جعبه‌ها پنهان می‌کند. شاید جذابیت رودررو شدن با این جعبه‌ها در همین نکته ظریف نهفته باشد: او چیزی در درون سیاهی جعبه‌هایش قرار نمی‌دهد که همین‌طوری بخواهد آن را لو دهد یا افشا کند... او مشغول نوعی پنهان‌کاری اسرارآمیز و ناخودآگاه است، مگر نه آن‌که اشیاء و چیزهای بی‌نام و نشان با ورود به این هندسه سیاه موجی از معنا و جلوه‌ای از استعاره و ابهام به خود می‌گیرند؟! آثار محسن صادقیان نه حجم‌اند، نه سطح، نه نقاشی‌اند و نه طراحی؛ اما در عین حال ترکیبی بدیع از همه این قابلیت‌ها را به نمایش می‌گذارند و به راستی این آثار را چه بنامیم؟ پاسخ می‌تواند خیلی ساده باشد: جعبه! و اگر کمی به دنبال پاسخ‌هایی پیچیده‌تر باشیم، می‌توانیم آن‌ها را «جعبه سیاه» ذهن نامگذاری کنیم.

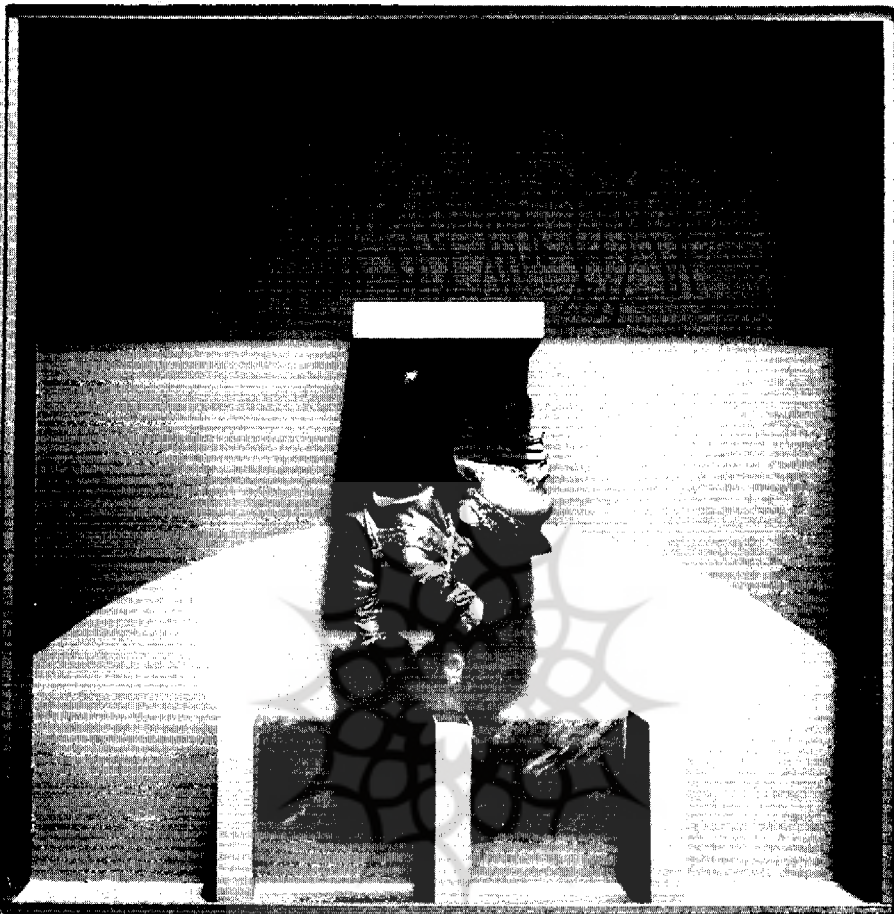


آثار محسن صادقان واقعیت‌هایی مادی هستند که با فرم احاطه شده‌اند و به صورت تلفیقی (از تلفیق سطح، حجم، طرح، نقاشی، کلاژ) و به وسیله دست ساخته شده‌اند. آثار این هنرمند، هم با مجسمه‌سازی به معنای متعارف آن فرق دارند و هم با نقاشی یک تمایز آشکار دارند. این آثار چند وجهی، یا به عبارت صحیح‌تر «چند ساحتی» هم از نظر توسعه یک سطح به سطوح متعدد و هم از نظر توسعه نگاه، نکات قابل تأملی را در خود نهفته دارند. محسن صادقان با نگاهی ژرف، بدیع و کاملاً حرفه‌ای توانسته است حدود استه‌تیک آثارش را ترسیم کند. منبع غنی و ناشناخته‌ای این جعبه‌های تیره و خاموش را در عمق روح هنرمند حک کرده است. آثاری ژرف و تاریک مثل چاه، صریح و قاطع همچون بیانیه‌ای سیاسی - اجتماعی!

او همانند اغلب مردمان مناطق مرکزی و کویری ایران، روحیاتی به ظاهر آرام و خصائل درون‌گرایانه دارد که به هیچ روی از طریق خطوط چهره‌شان نمی‌توان به اسرار درون‌شان آگاه شد.

محسن صادقان توانسته است ادراکات اولیه خود را که عمدتاً بر سطح (یک سطح) نقاشی می‌شدند را به تدریج به ادراکی عمیق‌تر، پیچیده‌تر و چند لایه‌تر نزدیک کند. و این عمیق‌تر شدن را نه تنها در فرآیندی استه‌تیک، بلکه





داده‌های متناقض همراه است: رمزآلودگی، وهم، صراحت، پوشیدگی، تلویح، خلوص، بدویت، مدرنیته... داده‌های متناقض، یکی از خصائل جهانی است که در آن نفس می‌کشیم. با این نگاه، محسن صادقیان هنرمند هوشمند این زمانه است. زیرا که او توانسته است تجربه زیبایی‌شناسی خود را با واقعیت‌های بیرونی منطبق کند و در این تطابق نه به فرمالیسم درغلطیده و نه الزاماً به آثاری شبه واقع‌گرایانه با عمق اندک و عمر کوتاه تن داده است. او تجربه زیبایی‌شناختی خود را از طریق روابط پیچیده میان رنگ و بی‌رنگی، سطوح جنومتریکی و اشیای ارگانیک در ساختاری فوق مدرن به نمایش گذاشته است. اگر آثار محسن صادقیان را به موسیقی تشبیه کنیم، باید بگوییم او توانسته است ارکستراسیون

در اوج و فرودی روحی نیز تجربه کند. نقاشی‌های صادقیان به تدریج آن چنان عمق می‌گیرند که تنها با سطوح متعدد امکان بیان و بروز پیدا می‌کنند. او با این سطوح متعدد (مکعب‌ها یا جعبه‌ها) رفتاری نه صرفاً نقاشانه و نه کاملاً مجسمه‌سازانه می‌کند. آتلیه محسن صادقیان را نه می‌توان آتلیه یک نقاش به حساب آورد و نه آتلیه یک مجسمه‌ساز. او، هنرمندی چند وجهی است. هم از نظر فنی و هم از نظر نوع نگاه. صادقیان به همان اندازه که فرمالیست به نظر می‌آید، به شدت معناگرا و حتی وفادار به تپش و ضربان نبض زمانه است. همچنانی که، تشخیص میان روح ایرانی و درک جهانی در آثار او آن چنان با هم ممزوج شده که مخاطب را به سکوت و تعمق وامی‌دارد. سکوتی که با انبوهی از

کرد؟* منزل مسکونی، شرکت، اداره، موزه، گالری، انلیه، سالن انتظار یا... این پرسش از آن چه پرسیدنی به نظر می‌رسد که جلوه تیره، چند بُعدی و متفاوت این آثار در مقایسه با تابلوی نقاشی یا مجسمه به محیطی نیاز دارند که به سادگی یک تابلوی نقاشی نمی‌توان آن محیط را پیش‌بینی کرد.

بهرآستگی این آثار را در کجا می‌توان نصب کرد؟
پانوش:

* به نقل از سرکارخانم آراسته کیهان (علوی)

منحصربه‌فردی از صدا و سکوت را در قطعات موسیقایی‌اش تنظیم کند. سکوت‌هایی که در تاریخ روشن این جعبه‌ها رخنه کرده‌اند، اشیاء و عناصر بصری مستقر در تاریکی‌ها؛ گاه رمزآلود و گاه به‌شدت صریح، کوبنده و همچون فریاد خفه‌ای در عمق چاه به نظر می‌رسند.

آثار او ترکیبی خلاق از سطح و عمق، پر و خالی، مات و شفاف، سکوت و صدا، رمز و صراحت، مستقیم و غیرمستقیم‌اند.

اما، پرسیدنی است که این آثار منحصربه‌فرد و بدیع را در کجا می‌توان نصب

